

## بررسی ادراک نوجوانان از همبستگی و اقتدار در روابط خانوادگی

بهرام جوکار\*

دانشگاه شیراز

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی ادراک نوجوانان از ساختار قدرت و روابط عاطفی در خانواده و همچنین چگونگی تغییر این گونه ادراکات در مراحل مختلف نوجوانی بود. در این تحقیق از آزمون نظام خانوادگی (FAST) که یک ابزار بالینی است استفاده شد. این آزمون در یک گروه متشکل از ۱۲۶ آزمودنی دختر و پسر در ۳ گروه سنی اول راهنمایی، اول دبیرستان، و سوم دبیرستان اجراء شد. نتایج بیانگر آن است که کمترین میزان همبستگی بین نوجوان و والدین در گروه اول دبیرستان، ادراک شده است. در ارتباط با اقتدار تفاوت معناداری بین سه گروه مشاهده نگردید. در مقایسه دختران و پسران، نتایج حاکی از آن است که پسران روابط نزدیک‌تری با والدین داشته‌اند. تحلیل‌های فوق در دو وضعیت واقعی و آرمانی مورد مقایسه قرار گرفت و تقریباً در تمامی موارد، نتایج حاکی از تفاوت در ادراک دو وضعیت بود. در مجموع، یافته‌های تحقیق حاضر بیانگر آن است که ادراک نوجوانان ایرانی از دو عنصر همبستگی و اقتدار، در روابط خانوادگی، با الگوهای حاصله از تحقیقات دیگر فرهنگ‌ها همخوانی ندارد.

واژه‌های کلیدی: ۱- انسجام خانوادگی ۲- اقتدار خانوادگی ۳- نوجوانی ۴- نوجوانان و خانواده ۵- ادراک ۶- دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان

## ۱. مقدمه

غالب نظریه‌پردازان رشد نوجوانی را یکی از پر تلاطم‌ترین مراحل زندگی انگاشته، و در بروز بحران‌های این دوره، به عوامل متعددی اشاره نموده‌اند (برای مطالعه بیشتر به میوس، ۱۹۹۰ مراجعه شود). برخی متخصصان معتقدند، بحران نوجوانی بیش از آن که ناشی از عوامل زیستی و هورمونی باشد، از بافت اجتماعی و عوامل غیر زیستی متأثر است (باچانان و همکاران، ۱۹۹۲). آنان در این زمینه به روابط خانوادگی و تغییرات آن در طول دوره نوجوانی توجه خاصی مبذول داشته‌اند. برخی در توصیف ارتباطات خانوادگی به دو عنصر، همبستگی<sup>۱</sup> و اقتدار<sup>۲</sup> بیشتر توجه کرده‌اند (به عنوان مثال اولسن، ۱۹۸۶ و وود، ۱۹۸۵). همبستگی یا انسجام بیانگر میزان دلبستگی، صمیمیت و روابط عاطفی میان اعضای خانواده می‌باشد و به بیان ساده‌تر بیانگر آن است که افراد خانواده تا چه حد یکدیگر را دوست دارند و احساس نزدیکی می‌کنند. اقتدار نمایانگر سلسله مراتب تصمیم‌گیری یا قدرت تحت تأثیر قرار دادن دیگر اعضای خانواده می‌باشد. و به معنای آن است که در خانواده چه کسی بالاترین مرجع تصمیم‌گیری است و پس از آن به ترتیب چه کسانی نقش مهم‌تری در این زمینه دارند. در این باره اعتقاد بر آن است که از ترکیب دو بعد همبستگی و اقتدار دو ترکیب خانوادگی متفاوت شکل می‌گیرد: خانواده‌های متوازن که در آنها میزان همبستگی بالا و ساختار تصمیم‌گیری شکل سازمان یافته‌تری دارد و خانواده‌های غیر متوازن که در آنها همبستگی پایین و تصمیم‌گیری شکل افراطی دارد (یعنی یا کاملاً یک طرفه است یا بسیار باز است). هدف از تحقیق حاضر بررسی چگونگی ادراک نوجوانان از این دو عنصر ارتباطی در روابط خود با والدین، و همچنین مطالعه سیر تحولی این ارتباطات از ابتدا تا اواخر نوجوانی بود.

تا دو دهه قبل غالب نظریه‌پردازان رشد، نوجوانی را دوره‌ای می‌پنداشتند که در آن نوجوان تمایل دارد رابطه خود را با خانواده (خصوصاً پدر و مادر) قطع و به عنوان فردی مستقل عمل نماید (بلوس، ۱۹۷۹ و فروید، ۱۹۵۸). در مقابل، امروزه برخی نظریه‌پردازان بر این باورند که نوجوانان قادرند در عین حفظ فردیت و استقلال، پیوند خود را نیز با والدین حفظ نمایند، و در چنین حالتی است که می‌توانند یک دوره بزرگسالی همراه با سلامت و شادابی نیز در پیش رو داشته باشند (کمپل، آدامز، و دابسون، ۱۹۸۴؛ مور، ۱۹۸۷؛ ریان و لینچ، ۱۹۸۹). در همین راستا پیروان نظریه دلبستگی<sup>۳</sup> نیز باور دارند که احتمالاً نیاز به خود مختاری و وابستگی اگر چه در ظاهر دو روی یک سکه است، اما در واقع این دو مکمل یکدیگرند (آینسورت، ۱۹۸۹؛ کولینز و راسل، ۱۹۹۱).

اگر چه این انگاره، که نوجوان در عین بلوغ و پرورش فردیت می‌تواند روابط عاطفی نزدیکی با والدین داشته باشد، به لحاظ نظری مقبول واقع شده است (آلن و همکاران، ۱۹۹۴؛ هیل و هولمیک، ۱۹۸۹) اما این موضوع، به لحاظ تجربی و تحقیقاتی بر شواهد محکمی استوار نیست

بعنوان مثال فلدمن و گهرنیگ (۱۹۸۸) با استفاده از آزمون نظام خانوادگی، که به اختصار آن را FAST نامیده‌اند، ادراک نوجوانان از روابط خانوادگی را در ۳ گروه سنی کلاس ششم، نهم و دوازدهم مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که اولاً، همراه با افزایش سن ادراک نوجوانان از ارتباطات خانوادگی تغییر می‌کند و نوجوانان (پسر و دختر) مسن‌تر همبستگی و تفاوت قدرت کمتری را بین خود و خانواده نشان می‌دهند. ثانیاً، کاهش تفاوت قدرت در رابطه نوجوان- پدر، بیشتر از سایر ارتباطات بوده است و ثالثاً، با وجود این که نوجوانان تفاوت در اقتدار را بعنوان یک وضعیت آرمانی ادراک نموده بودند، اما در زمینه کاهش همبستگی چنین حالتی مشاهده نشده بود و نوجوانان، خانواده آرمانی را منسجم‌تر و همبسته‌تر ادراک نموده‌اند.

یافته‌های پژوهش فلدمن و گهرنیگ (۱۹۸۸)، مبنی بر کاهش ارتباطات عاطفی در اوج نوجوانی، در تحقیقات متعددی به تایید رسیده است (به عنوان مثال: فرانک، پیرش و رایت، ۱۹۹۰؛ پیپ و همکاران، ۱۹۸۵ و نیومان، ۱۹۸۹). اما مایسلس، وایسمن و های (۱۹۹۸) بر این باورند که غالب یافته‌های موجود در این زمینه، محصول مطالعات انجام شده در فرهنگ جامعه غربی (خصوصاً آمریکای شمالی) می‌باشد که در آنها فردیت و خود مختاری مورد تأکید است (هافستد، ۱۹۸۰؛ تریانندیس و مک‌کاسلر و هوی، ۱۹۹۰). این محققان معتقدند، احتمالاً در فرهنگ‌های جمع‌گرا که گروه و حفظ ارتباطات اجتماعی (خصوصاً خانواده) یک ارزش عالی محسوب می‌شود، نوجوانان تمایل دارند تا در عین استقلال طلبی و خود مختاری روابط صمیمی و عاطفی خود را با والدین حفظ کنند. بر همین اساس، والدین نیز اگرچه میزان کنترل خود را کاهش می‌دهند، اما تغییر محسوس در صمیمیت و رابطه عاطفی‌شان پدید نمی‌آید. با توجه به موارد فوق مایسلس و همکارانش (۱۹۹۸) چگونگی ارتباط نوجوانان را با والدین و یکی از دوستان صمیمی همجنس، در فلسطین اشغالی مورد پژوهش قرار دادند. آنها دریافتند که نوجوانان با سن بیشتر، خواهان استقلال و قدرت بیشتر در روابط خود با والدین هستند، ولی به لحاظ پیوند عاطفی تفاوتی بین گروه‌های سنی مشاهده نمودند. به عبارت دیگر یافته‌های آنها در راستای نظریه دل‌بستگی است، که بر اساس آن نوجوانان می‌توانند در عین بلوغ و کسب استقلال، روابط عاطفی صمیمانه‌ای با والدین داشته باشند، (به عنوان مثال هیل و هولمبک، ۱۹۸۹).

## ۲. اهداف تحقیق

با توجه به بحث تفاوت‌های فرهنگی که مایسلس و همکارانش، (۱۹۹۸) به آن اشاره نمودند تحقیق حاضر با هدف بررسی ادراک نوجوانان از دو عنصر ارتباطات یعنی همبستگی و سلسله مراتب تصمیم‌گیری (اقتدار) در روابط خانوادگی انجام پذیرفت. به ظاهر، جامعه ایرانی یک فرهنگ جمع‌گرا است، که بر مبنای تعالیم مذهبی و نصایح ادبی تأکید فراوانی به حفظ

ارتباطات اجتماعی می‌شود و به همین لحاظ خانواده به عنوان یک ارزش عالی مورد تأکید می‌باشد. (برای نمونه می‌توان به آیات قرآنی<sup>۴</sup> و اشعار ایرانی<sup>۵</sup> در این زمینه اشاره نمود). لازم به ذکر است که مطابق بررسی‌های به عمل آمده تاکنون تحقیقی پیرامون ادراک نوجوانان از این دو سازه در جامعه ایران صورت نگرفته است و همین مسأله بر ضرورت و اهمیت تحقیق حاضر می‌افزاید.

در تحقیق حاضر علاوه بر بررسی ادراک نوجوانان از این دو سازه (همبستگی و اقتدار)، تغییرات تحولی ادراکات به صورت عرضی<sup>۶</sup> در ۳ گروه سنی اوائل، اواسط و اواخر نوجوانی مورد ارزیابی قرار گرفت. برای اندازه‌گیری ادراک نوجوانان از آزمون نظام خانوادگی<sup>۷</sup> یا FAST (که در تحقیق فلدمن و گهرنیک به آن اشاره شد) استفاده گردید. این ابزار یک آزمون بالینی است که توسط گهرنیک و ویلر (۱۹۸۶) تهیه شده و به وسیله آن می‌توان به طور هم زمان همبستگی و اقتدار تصمیم‌گیری را در روابط خانوادگی (چه در قالب زوجها و چه در کل خانواده) به شکل نمادین اندازه‌گیری نمود. عمده‌ترین برتری این ابزار نسبت به پرسشنامه‌ها و مقیاس‌های متداول آن است که در آزمون FAST آزمودنی باید روابط کل اعضا خانواده را بر روی یک صفحه به طور هم زمان به نمایش بگذارد. در صورتی که با استفاده از پرسشنامه‌ها عمدتاً روابط در قالب زوجها اندازه‌گیری می‌شود، یعنی در هر سؤال رابطه فرد با عضو دیگر خانواده مورد پرسش است. کارایی آزمون FAST در تحقیقات مختلف و کشورهای متعددی مورد تأیید قرار گرفته است. (به عنوان مثال، بردوندینی و اسمیت، ۱۹۹۶؛ هاتا و تسوکیچی، ۱۹۹۳؛ مارتی و گهرنیک، ۱۹۹۲). با توجه به توصیه سازندگان آزمون، به منظور توصیف دقیق‌تر ادراک نوجوانان از روابط خانوادگی، از آزمودنیها خواسته می‌شد تا خانواده را آن چنان که هست (وضعیت واقعی) و آن چنان که باید باشد (وضعیت آرمانی) به تصویر بکشند. اختلاف بین دو وضعیت واقعی و آرمانی، شاخص نارضایتی روابط خانوادگی محسوب می‌گردد. (کرامول و پترسون، ۱۹۸۳؛ اولسن، ۱۹۸۶).

از آنجا که نتایج تحقیقات پیرامون تأثیر جنسیت بر ادراک روابط خانوادگی ناهماهنگ می‌باشند، در پژوهش حاضر تفاوت ادراک دختران و پسران نیز مورد بررسی قرار گرفت. در این رابطه برخی تحقیقات به عدم تفاوت بین ادراک دختران و پسران (به عنوان مثال فلدمن و گهرنیک ۱۹۸۸؛ نالر و کالان، ۱۹۸۶ و اسپیتن‌برگ، ۱۹۸۷) و برخی دیگر تفاوت آشکاری را میان دختران و پسران گزارش نموده‌اند. بدین ترتیب که دختران روابط عاطفی صمیمانه‌تر و گرم‌تری با والدین داشته‌اند (فرانک، آوری، لامان، ۱۹۸۸؛ نیومان، ۱۹۸۹؛ ناولر و کالان، ۱۹۹۰؛ مایسل و همکاران، ۱۹۹۸). البته در این زمینه عمده تحقیقات نشان داده‌اند که صرف نظر از جنسیت آزمودنی نوجوانان در مقایسه با پدر رابطه صمیمی‌تری با مادرشان دارند.

(به عنوان مثال ناولر و کالان، ۱۹۹۰؛ پاترسون، فیلد و پرپور، ۱۹۹۴). با توجه به ناهماهنگی‌های موجود در یافته‌های تحقیقات، در مطالعه حاضر تأثیر این متغیر نیز مورد بررسی قرار گرفت. در مجموع می‌توان اهداف تحقیق حاضر را به ترتیب در موارد زیر خلاصه نمود: (موارد ۱ تا ۴ اهداف اصلی و موارد ۵ و ۶ اهداف ضمنی تحقیق بودند).

۱- بررسی چگونگی ادراک نوجوانان ایرانی از همبستگی و اقتدار تصمیم‌گیری در روابط خانوادگی

۲- بررسی تغییرات این ادراک در سنین مختلف نوجوانی.

۳- بررسی میزان اختلاف ادراک نوجوانان از خانواده واقعی و خانواده آرمانی.

۴- بررسی چگونگی ارتباط والدین با یکدیگر و نوجوانان با هر یک از والدین.

۵- بررسی تفاوت ادراک دختران و پسران از همبستگی و اقتدار خانوادگی.

۶- معرفی ابزار جدیدی جهت اندازه‌گیری روابط خانوادگی.

### ۳. روش تحقیق

#### ۳.۱. جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌های اول راهنمایی، اول متوسطه و سال آخر متوسطه در نواحی ۲ و ۳ آموزش و پرورش شهر شیراز بود. علت انتخاب این دو ناحیه آن بود که در شهر شیراز ناحیه ۲ به لحاظ طبقه اقتصادی اجتماعی، در سطح بالا و ناحیه ۳ در سطح متوسط پایین و پایین می‌باشند. و از طریق این انتخاب سعی شد تا پوششی برای طبقه اقتصادی اجتماعی فراهم آید.

نمونه تحقیق حاضر شامل ۱۲۶ دانش‌آموز دختر و پسر در سه مقطع اول راهنمایی، اول دبیرستان و سال آخر دبیرستان بود که از نواحی مذکور انتخاب شدند. جدول شماره ۱ توزیع آزمودنیها را به تفکیک دختر و پسر و مقطع نشان داده است. برای گزینش آزمودنیها در هر ناحیه چهار مدرسه (دو مدرسه راهنمایی و دو دبیرستان) به تفکیک دخترانه و پسرانه، انتخاب،

#### جدول ۱

##### تعداد آزمودنیها بر اساس جنسیت و کلاس

کلاس	دختر	پسر
اول راهنمایی	۲۰	۲۰
اول متوسطه	۲۱	۲۳
سال آخر	۲۰	۲۲
مجموع	۶۱	۶۵

سپس در هر مدرسه کلاس‌های مربوطه به شکل تصادفی گزینش و در نهایت در هر کلاس آزمودنی‌هایی که تعداد افراد خانواده آنها پنج نفر و کمتر بود جهت شرکت در آزمون برگزیده می‌شدند. لازم به ذکر است، از آنجا که تعداد افراد خانواده، یکی از مؤلفه‌های مهم جهت شرکت دادن آزمودنی در تحقیق بود، انتخاب دانش‌آموزان در مرحله آخر حالت غیر تصادفی داشت.

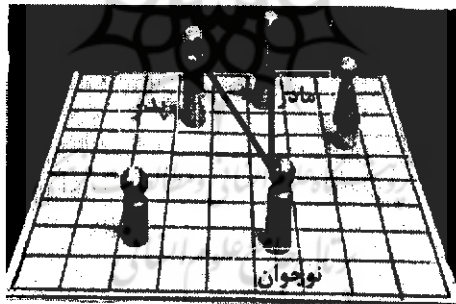
### ۲.۳. ابزار تحقیق

در تحقیق حاضر از آزمون نظام خانوادگی یا FAST که توسط گهرنیک و ویلر (۱۹۸۶) تهیه شده است استفاده شد. مواد تشکیل دهنده آزمون عبارتند از:

- ۱- صفحه چوبی شطرنجی  $۴۵ \times ۴۵$  سانتی متری. این صفحه به  $۸۱$  خانه  $۵ \times ۵$  سانتی‌متری تقسیم شده است، و در مجموع یک صفحه  $۹ \times ۹$  خانه را تشکیل می‌دهد.
- ۲- مجسمه‌های چوبی با ارتفاع  $۸$  سانتی‌متر در اشکال مؤنث و مذکر.
- ۳- قطعات استوانه‌ای چوبی در اندازه‌های  $۱/۵$ ،  $۳$  و  $۴/۵$  سانتی‌متری. شکل شماره یک نمایشی از یک خانواده پنج نفری را نشان می‌دهد.

### شکل ۱

نمایی از ادراک یک نوجوان پسر در یک خانواده پنج نفری



### ۳.۳. روش اجرا

آزمون به صورت انفرادی اجرا می‌شد و کلیه مکالمات بر روی نوار کاست، ضبط می‌گردید. پس از برقراری ارتباط عاطفی با آزمودنی و ارائه توضیحات لازم راجع به چگونگی اجرا، مجسمه‌های مورد نیاز در اختیارش قرار می‌گرفت. به عنوان مثال، اگر آزمودنی پسر بود و یک خواهر داشت، دو مجسمه مذکر و دو مجسمه مؤنث در اختیار او قرار داده می‌شد. از آزمودنی خواسته می‌شد تا ابتدا بر اساس میزان نزدیکی افراد خانواده مجسمه‌ها را روی صفحه قرار دهد. بدین صورت که صمیمیت بین اعضای خانواده را از طریق نزدیکی مجسمه‌ها با هم نشان دهد. پس از آن، استوانه‌های چوبی در اختیار او قرار داده می‌شد و به او گفته می‌شد که بلندی استوانه‌ها بیانگر اقتدار در تصمیم‌گیری است. یعنی هر چه ارتفاع استوانه بیشتر باشد اقتدار آن

عضو بیشتر خواهد بود. پس از این توضیح از آزمودنی خواسته می‌شد استوانه‌ها را به ترتیبی که مورد نظر اوست در زیر مجسمه‌ها قرار دهد. در پایان این مرحله، از صفحه عکس تهیه می‌شد.

در مرحله دوم از آزمودنی خواسته می‌شد تا با استفاده از توضیحات مرحله اول، خانواده آرمانی یا ایده‌آل خود را بر اساس میزان نزدیکی و اقتدار به نمایش بگذارد.

#### ۴.۳. نمره گذاری

در پژوهش حاضر، بر اساس ابعاد مختلف رابطه، همبستگی، اقتدار و وضعیت (واقعی و آرمانی) هر آزمودنی دارای ۱۶ نمره بود. نمرات عبارت بودند از: چهار نمره مربوط به همبستگی در حالت واقعی (همبستگی نوجوان - پدر، نوجوان - مادر، پدر - مادر و نمره کل همبستگی واقعی) چهار نمره مربوط به همبستگی در حالت آرمانی (نوجوان - پدر، نوجوان - مادر، پدر - مادر و نمره کل همبستگی آرمانی)، چهار نمره مربوط به اقتدار در حالت واقعی (نوجوان - پدر، نوجوان - مادر، پدر - مادر و کل اقتدار واقعی) و چهار نمره مربوط به اقتدار در حالت آرمانی (نوجوان - پدر، نوجوان - مادر، پدر - مادر و کل اقتدار آرمانی).

به منظور تعیین نمره همبستگی ادراک شده، ابتدا فاصله بین هر زوج از مهره‌ها با استفاده از فرمول:  $(Y_1 - Y_2)^2 + (X_1 - X_2)^2$  محاسبه می‌گردید. این فرمول بوسیله گهرنیگ و ویلر (۱۹۸۶) پیشنهاد شده و از رابطه فیثاغورث بر گرفته شده است. (در این فرمول  $X_1$  و  $X_2$  بیانگر جایگاه مجسمه مبدأ بر حسب دو طرف صفحه و  $Y_1$  و  $Y_2$  نمایانگر جایگاه مجسمه‌ای است که قصد داریم فاصله آن را با مجسمه مبدأ حساب کنیم). سپس جذر عدد به دست آمده از فرمول فوق، از عدد ۱۲ کسر می‌شد. به منظور تعیین نمره اختلاف اقتدار بین اعضای خانواده، ارتفاع هر استوانه از استوانه‌های دیگر کم می‌شد.

#### ۴.۳.۵. پایانی آزمون

گهرنیگ و فلدمن (۱۹۸۸) با استفاده از روش باز آزمایشی پایایی، آزمون FAST را در دو نمونه پیش نوجوان<sup>۸</sup> و نوجوان محاسبه نمودند. نتایج بیانگر آن بود که در بعد انسجام، پایایی برابر با ۰/۵۷ در گروه پیش نوجوان و ۰/۸۱ در گروه نوجوان و در بعد قدرت به ترتیب برابر با ۰/۶۶ و ۰/۸۶ بود. در تحقیق حاضر با استفاده از نمونه‌ای ۲۰ نفری و با فاصله زمانی دو هفته پایایی به روش باز آزمایشی محاسبه گردید. در بعد انسجام ضریب پایایی حاصل برابر با ۰/۷۵ و در بعد قدرت مساوی ۰/۷۸ بود.

## ۴. نتایج

جداول ۲ و ۳، میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنیها در ۳ گروه سنی را به تفکیک دختر و پسر در بعد همبستگی و اقتدار، در دو وضعیت واقعی و آرمانی نشان می‌دهند.

جدول ۲

میانگین و انحراف معیار نمرات دختران و پسران در بعد همبستگی آزمون FAST در ۲ گروه کلاسی

کل		پسر - مادر		نوجوان - مادر		نوجوان - پدر		واقعی		آرمانی	
SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	پسر	دختر	اول	دختر
۰/۳۷	۱۰/۴۹	۰/۵۸	۱۰/۶۸	۰/۱۵	۱۰/۹۳	۰/۶۱	۱۰/۴۵	پسر	دختر	اول	دختر
۰/۳۹	۱۰/۴۲	۰/۴۷	۱۰/۴۰	۰/۲۹	۱۰/۸۹	۰/۵۵	۱۰/۵۸	پسر	دختر	راهنمائی	اول
۰/۶۶	۱۰/۴۵	۰/۴۳	۱۰/۵۹	۰/۸۱	۱۰/۴۱	۰/۹۲	۱۰/۳۵	پسر	دختر	اول	دختر
۱/۳۰	۹/۶۶	۱/۳۲	۹/۸۴	۱/۴	۹/۸۷	۱/۶۲	۹/۲۷	پسر	دختر	دختر	دختر
۰/۴۷	۱۰/۴۴	۰/۴۰	۱۰/۴۵	۱/۱۳	۱۰/۴۷	۱/۲۳	۱۰/۱۱	پسر	دختر	سوم	دختر
۰/۹۴	۱۰/۰۳	۰/۸۷	۸/۱۰	۱/۴۵	۱۰/۳۱	۱/۲۲	۹/۷۰	پسر	دختر	دختر	دختر
۰/۳۱	۱۰/۸۰	۰/۵۱	۱۰/۸۱	۰/۱۵	۱۰/۹۳	۰/۵۳	۱۰/۶۶	پسر	دختر	اول	دختر
۰/۱۹	۱۰/۸۹	۰/۳۱	۱۰/۸۷	۰/۲۸	۱۰/۹۱	۰/۲۵	۱۰/۸۸	پسر	دختر	راهنمائی	اول
۰/۵۰	۱۰/۴۸	۰/۲۳	۱۰/۹۳	۰/۶۵	۱۰/۴۰	۰/۸۶	۱۰/۴۲	پسر	دختر	اول	دختر
۰/۶۲	۱۰/۶۳	۰/۳۰	۱۰/۸۷	۰/۸۵	۱۰/۶۰	۱/۰۵	۱۰/۴۲	پسر	دختر	دختر	دختر
۰/۲۲	۱۰/۸۰	۰/۱۵	۱۰/۹۳	۰/۳۹	۱۰/۴۳	۰/۴۵	۱۰/۴۳	پسر	دختر	سوم	دختر
۰/۴۲	۱۰/۴۰	۰/۶۸	۱۰/۴۷	۰/۲۷	۱۰/۴۸	۰/۴۲	۱۰/۵۵	پسر	دختر	دختر	دختر



جدول ۳  
میانگین و انحراف معیار نمرات دختران و پسران در بعد اقتدار آزمون FAST در ۲ گروه کلاسی

کل		پسر - مادر		نوجوان - مادر		نوجوان - پدر		واقع		آرمانی	
SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	پسر	دختر	اول	دبیرستان
۰.۷۵	۱/۵۵	۰.۷۰	۰.۴۵	۰.۹۵	۱/۸۷	۱/۱۲	۲/۳۲	پسر	دختر	راهنمایی	اول
۰.۶۰	۱/۴۵	۰.۸۸	۰.۳۲	۰.۸۵	۱/۹۵	۰.۹۰	۲/۱۷	پسر	دختر	اول	دبیرستان
۰.۶۷	۱/۴۷	۰.۹۶	۰.۴۲	۱/۱۲	۱/۷۸	۱/۰۱	۲/۲۱	پسر	دختر	اول	دبیرستان
۰.۷۱	۱/۱۷	۱/۱۲	۰.۱۹	۰.۹۵	۱/۵۶	۱/۰۷	۱/۲۶	پسر	دختر	سوم	دبیرستان
۰.۷۶	۱/۴۵	۱/۱۲	۰.۶۷	۰.۶۸	۱/۵۰	۱/۱۲	۲/۱۷	پسر	دختر	اول	دبیرستان
۰.۵۲	۰.۹۰	۰.۹۱	۰.۱۲	۱/۰۹	۱/۲۲	۰.۷۸	۱/۳۶	پسر	دختر	اول	دبیرستان
۰.۷۵	۱/۴۰	۰.۶۱	۰.۳۰	۱/۰۴	۱/۸۰	۱/۱۲	۲/۱	پسر	دختر	اول	دبیرستان
۰.۵۸	۱/۱۵	۰.۶۶	۰.۳۷	۰.۶۷	۱/۳۵	۰.۸۸	۱/۲۲	پسر	دختر	اول	دبیرستان
۰.۶۳	۱/۰۰	۰.۷۶	۰.۲۸	۰.۹۰	۱/۲۱	۰.۹۴	۱/۵	پسر	دختر	اول	دبیرستان
۰.۹۹	۰.۷۸	۱/۱	۰.۳۲	۱/۲۶	۰.۸۴	۱/۴۹	۱/۱۷	پسر	دختر	اول	دبیرستان
۰.۵۷	۱/۳۰	۰.۸۹	۰.۶۰	۰.۶۷	۱/۳۵	۰.۸۵	۱/۹۵	پسر	دختر	اول	دبیرستان
۰.۶۷	۰.۵۴	۰.۸۸	۰.۲۷	۰.۸۷	۰.۵۴	۱/۰۰	۰.۸۱	پسر	دختر	اول	دبیرستان

با توجه به آن که نمرات حاصل، بویژه در بعد همبستگی دارای کشیدگی منفی بود، کلیه آزمون‌های آماری به روش غیر پارامتریک نیز اجرا شد. اما از آنجا که تفاوتی در نتایج مشاهده نشد، تنها به ذکر نتایج آزمون‌های پارامتریک بسنده می‌شود.

#### ۴.۱. بررسی تأثیر سن بر ادراکات

میانگین و انحراف معیار گروه‌های مختلف بدون در نظر گرفتن عامل جنسیت در جدول شماره ۴ آورده شده است. با استفاده از تحلیل واریانس یک طرفه نمرات گروه‌های تحصیلی (اول راهنمایی، اول دبیرستان، سوم دبیرستان) در دو بعد همبستگی و اقتدار مورد مقایسه قرار گرفت. علاوه بر این در هر بعد، نمرات ادراک روابط (نوجوان - پدر، نوجوان - مادر و پدر - مادر) نیز، بین سه گروه مقایسه شد. نتایج مربوط به هر موقعیت در ادامه آورده شده است.

##### ۴.۱.۱. ادراک همبستگی در وضعیت واقعی: نتایج مقایسه‌ها نشان داد، در نمره کل

همبستگی ( $F(2, 122) = 6/74, p < 0/01$ ) و همچنین در نمره همبستگی نوجوان - پدر ( $F(2, 122) = 4/80, P < 0/009$ )، نوجوان - مادر ( $F(2, 122) = 5/30, P < 0/006$ ) و پدر - مادر ( $F(2, 122) = 3/43, P < 0/03$ ) بین ادراک سه گروه، تفاوت معنی‌داری بوده است. نتایج آزمون توکی ( $p < 0/05$ ) نمایانگر آن بود که در نمره کل همبستگی، گروه اول و سوم دبیرستان نسبت به گروه اول راهنمایی همبستگی کمتری را ادراک نموده‌اند. در رابطه نوجوان - پدر این تفاوت بین گروه اول راهنمایی با دو گروه دیگر و در رابطه نوجوان - مادر و پدر - مادر بین گروه اول دبیرستان و اول راهنمایی بود. در مجموع مقایسه‌ها، نمره گروه اول دبیرستان چه در موارد معنی‌دار بودن نتایج و چه در مواردی که مقایسه‌ها معنی‌دار نبود، کمتر از دو گروه دیگر بود. به عبارت دیگر در این مقطع سنی، نوجوان همبستگی را بین اعضای خانواده ادراک نموده است.

##### ۴.۱.۲. ادراک همبستگی در وضعیت آرمانی: در این بعد تنها موردی که تفاوت

معنی‌دار، بین نمرات گروه‌ها مشاهده شد، در رابطه نوجوان - مادر بود ( $F(2, 122) = 3/2, P < 0/05$ ). آزمون توکی در این مورد نیز بیانگر آن بود که گروه اول دبیرستان نسبت به گروه اول راهنمایی همبستگی کمتری را ادراک نموده است. در واقع از لحاظ آرمانی نیز گروه اول دبیرستان همبستگی کمتری با مادر داشته است. در سایر مقایسه‌ها یعنی نمره کل همبستگی و رابطه نوجوان - پدر و پدر - مادر، تفاوت‌ها معنی‌دار نبود.

##### ۴.۱.۳. ادراک اقتدار در وضعیت واقعی: همان گونه که قبلاً ذکر گردید، در ارتباط با

عامل قدرت، نمره تفاوت اقتدار مورد نظر بود، که از تفاضل ارتفاع هر مهره از مهره دیگر به دست می‌آمد. در این زمینه در تنها موردی که تفاوت معنی‌دار مشاهده شد، رابطه نوجوان - مادر بود ( $F(2, 122) = 3/48, P < 0/03$ ). نتایج آزمون توکی بیانگر تفاوت معنی‌دار بین گروه اول راهنمایی و سوم دبیرستان بود. بدین صورت که این گروه اختلاف اقتدار کمتری نسبت به

جدول ۴  
میانگین و انحراف معیار نمرات گروههای مختلف سنی در انواع رابطه

کل	مادر - پدر		نوجوان - پدر		کل		مادر - پدر		نوجوان - مادر		پدر - نوجوان	
	مادر	پدر	نوجوان	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	نوجوان	پدر
۱۵۰ (۰/۶۷)	۰/۳۳ (۰/۲۹)	۱/۹ (۰/۱۸۹)	۷/۲۵ (۱/۰۱)	۱۰/۲۰ (۰/۳۳)	۱۰/۶۹ (۰/۵۲)	۱۰/۹۱ (۰/۳۳)	۱۰/۵۱ (۰/۵۸)	اول راهنمایی				
۱۳۱ (۰/۲۰)	۰/۲۰ (۱/۰۵)	۱/۶۷ (۱/۰۳)	۱/۹۷ (۱/۰۶)	۱۰/۰۴ (۱/۱۱)	۱۰/۲۰ (۱/۱۴)	۱۰/۱۳ (۱/۳۹)	۹/۲۸ (۱/۴۲)	اول دبیرستان				
۱۱۶ (۰/۶۹)	۰/۳۹ (۱/۰۵)	۱/۳۵ (۰/۹۲)	۱/۷۵ (۱/۰۴)	۱۰/۳۳ (۰/۸۸)	۱۰/۴۰ (۰/۲۶)	۱۰/۳۸ (۱/۳۰)	۹/۹۰ (۱/۳۳)	سوم دبیرستان				
۱۳۱ (۰/۲۰)	۰/۳۴ (۰/۹۷)	۱/۶۴ (۰/۹۷)	۱/۹۸ (۱/۰۵)	۱۰/۲۶ (۰/۴۲)	۱۰/۴۲ (۰/۱۸۷)	۱۰/۴۶ (۱/۱۵)	۱۰/۰۶ (۱/۵۸)	کل				
آرمانی												
۰/۳۰ (۰/۶۷)	۰/۳۳ (۰/۶۳)	۱/۵۷ (۰/۱۸۹)	۱/۹۱ (۱/۰۱)	۱۰/۱۸۵ (۰/۳۶)	۱۰/۱۸۴ (۰/۴۲)	۱۰/۹۲ (۰/۳۲)	۱۰/۲۷ (۰/۴۳)	اول راهنمایی				
۰/۸۸ (۰/۱۴)	۰/۳۰ (۰/۹۴)	۱/۰۲ (۱/۱۱)	۱/۳۲ (۱/۲۶)	۱۰/۲۰ (۰/۵۷)	۱۰/۹۰ (۰/۳۷)	۱۰/۶۵ (۰/۲۵)	۱۰/۵۶ (۰/۹۶)	اول دبیرستان				
۰/۹۰ (۰/۲۲)	۰/۴۲ (۰/۱۸۹)	۰/۹۲ (۰/۱۸۷)	۱/۳۵ (۱/۰۸)	۱۰/۲۵ (۰/۳۵)	۱۰/۸۵ (۰/۵۰)	۱۰/۲۶ (۰/۳۳)	۱۰/۶۴ (۰/۶۱)	سوم دبیرستان				
۱/۰۵ (۰/۲۶)	۰/۳۶ (۰/۱۸۳)	۱/۱۶ (۱/۰۰)	۱/۵۲ (۱/۵۴)	۱۰/۳۱ (۰/۸۹)	۱۰/۸۶ (۰/۴۰)	۱۰/۲۷ (۰/۵۱)	۱۰/۶۵ (۰/۲۱)	کل				

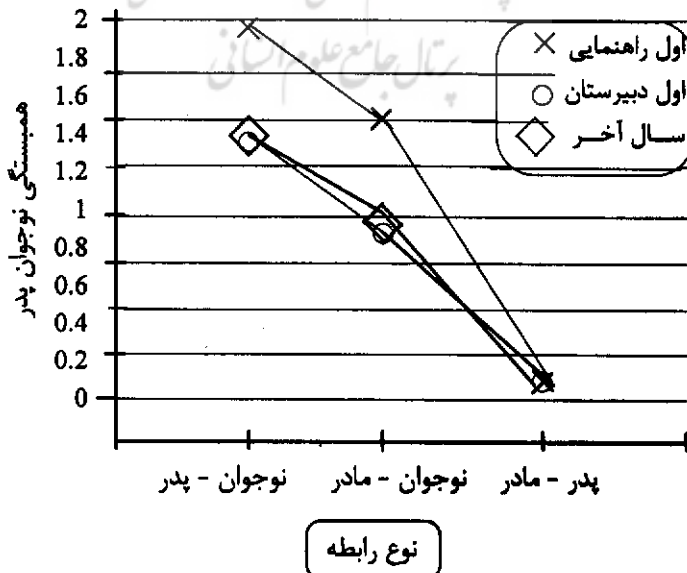
گروه اول راهنمایی ادراک کرده بودند. لازم به ذکر است که تفاوت مذکور در رابطه نوجوان-پدر نیز مشاهده شد اما این تفاوت معنی‌داری نبود.

۴.۱.۴. ادراک اقتدار در وضعیت آرمانی: در نمره کل، تفاوت اقتدار ( $P < 0/03$ ،  $F = 3/46$ )=۳/۴۶ و همچنین در رابطه نوجوان-پدر ( $P < 0/03$ ،  $F = 3/46$ )=۳/۴۶ و نوجوان-مادر ( $P < 0/06$ ،  $F = 5/30$ )=۵/۳۰، تفاوت معنی‌دار بین ۳ گروه مشاهده گردید. نتایج آزمون توکی بیانگر تفاوت معنی‌دار بین گروه اول راهنمایی با گروه اول و سوم دبیرستان بود. و مجدداً این گروه بیشترین تفاوت قدرت را نسبت به گروه‌های اول و سوم دبیرستان ادراک نموده بودند. به عبارت دیگر نوجوانان کلاس اول راهنمایی معتقد بودند که باید اختلاف بیشتری بین اقتدار نوجوان و پدر و مادر وجود داشته باشد (در حالت آرمانی).

با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) برای اندازه‌گیری‌های مکرر<sup>۱</sup> تعامل گروه سنی و نوع رابطه (سه نوع رابطه × سه گروه سنی) در دو بعد همبستگی و اقتدار و در دو وضعیت واقعی و آرمانی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج، بیانگر آن بود که تنها در بعد اقتدار در وضعیت آرمانی تعامل معنی‌داری بین دو متغیر وجود داشته است ( $P < 0/02$ ،  $F = 3/01$ )=۳/۰۱. به این ترتیب که در رابطه نوجوان - پدر و نوجوان - مادر گروه اول راهنمایی تفاوت بیشتر را، آرمانی‌تر فرض کرده‌اند. اما در رابطه پدر - مادر چنین نبوده است. نمودار شماره ۱ رابطه تعاملی دو متغیر را در اختلاف اقتدار در وضعیت آرمانی نشان می‌دهد.

### نمودار ۱

تعامل گروه سنی و نوع رابطه بر نمره اختلاف اقتدار وضعیت آرمانی



## ۴.۲. بررسی تأثیر جنسیت بر ادراکات

با استفاده از آزمون  $t$  نمرات دختران و پسران در ابعاد همبستگی و قدرت در دو وضعیت واقعی و آرمانی، مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج را در جدول شماره ۵ مشاهده می‌نمایید.

## جدول ۵

## مقایسه میانگین نمرات دختران و پسران

P<	t	دختر	پسر	نوع رابطه	
۰/۰۲	۲/۳۲	۹/۸۲	۱۰/۳۱	نوجوان- پدر	همبستگی واقعی
NS*	۱/۳۰	۱۰/۳۴	۱۰/۶۰	نوجوان- مادر	
۰/۰۰۱	۳/۲۹	۱۰/۱۹	۱۰/۶۸	پدر- مادر	
۰/۰۰۷	۲/۷۵	۱۰/۱۲	۱۰/۵۳	کل	
NS*	۰/۷۲	۱۰/۶۱	۱۰/۷۰	نوجوان- پدر	همبستگی آرمانی
NS*	۰/۳۸	۱۰/۷۶	۱۰/۸۰	نوجوان- مادر	
NS*	۰/۷۵	۱۰/۸۸	۱۰/۸۲	پدر- مادر	
NS*	۰/۲۵	۱۰/۷۴	۱۰/۸۰	کل	
۰/۰۰۹	۲/۶۴	۱/۷۵	۲/۲۴	نوجوان- پدر	اقتدار واقعی
NS*	۰/۸۷	۱/۵۷	۱/۷۲	نوجوان- مادر	
NS*	۱/۹۴	۰/۱۸	۰/۵۲	پدر- مادر	
۰/۰۱	۲/۶۲	۱/۱۷	۱/۴۹	کل	
۰/۰۰۲	۳/۱۲	۱/۲۲	۱/۸۴	نوجوان- پدر	اقتدار آرمانی
۰/۰۰۲	۳/۲۰	۰/۹۰	۱/۴۵	نوجوان- مادر	
NS*	۰/۴۷	۰/۳۲	۰/۳۹	پدر- مادر	
۰/۰۰۲	۳/۱۴	۰/۸۲	۱/۲۳	کل	

NS\* بیانگر عدم تفاوت معنی‌دار

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود در تمامی مواردی که تفاوت معنی‌داری بوده، پسران نمرات بالاتری نسبت به دختران کسب کرده بودند. علاوه بر این در تمامی گروه‌های سنی مقایسه‌های مذکور به تفکیک انجام گرفت و نتایج حاکی از آن بود که:

الف: در گروه سنی اول راهنمایی، در هیچ یک از ابعاد، تفاوتی بین دختران و پسران مشاهده نشد.

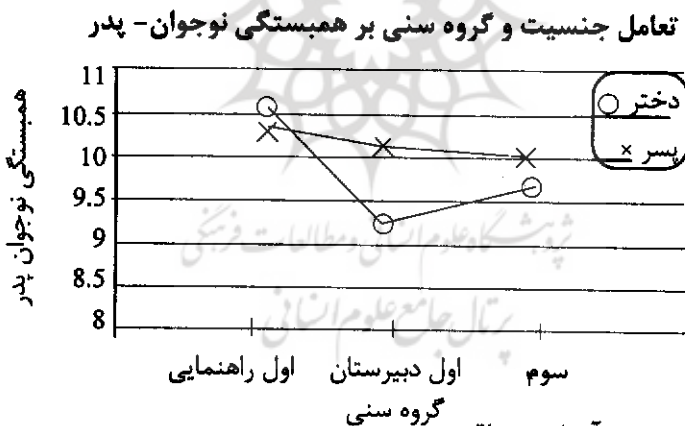
ب: در گروه سنی اول دبیرستان، در ادراک همبستگی نوجوان- پدر ( $P < 0/009$ ،  $df = 42$ ) و پدر - مادر ( $t = 2/7$ ،  $P < 0/02$ ،  $df = 42$ ) در وضعیت واقعی، تفاوت معنی‌دار مشاهده می‌شود.

ج: در گروه سنی سوم دبیرستان در ادراک انسجام پدر - مادر ( $P < 0/03$ ،  $df = 42$ ) و اختلاف اقتدار نوجوان پدر ( $P < 0/01$ ،  $df = 40$ ) در وضعیت واقعی، و اختلاف اقتدار

نوجوان - پدر ( $P < 0.001$ ،  $t = 3.92$  df = 40) و نوجوان - مادر، در وضعیت آرمانی، تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است که در این مقایسه‌ها نیز در همه مواردی که تفاوت‌ها معنی‌دار بودند، نمره پسران بالاتر بود.

به منظور بررسی اثر تعاملی جنسیت و گروه سنی (گروه سنی  $\times$  جنسیت) بر چگونگی ادراکات نوجوانان، از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شد. نتایج بیانگر آن است که تنها در مورد همبستگی نوجوان - پدر در وضعیت واقعی، تعامل معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد ( $F(2, 120) = 3.14$ ،  $P < 0.04$ ) و در سایر موارد، نتایج معنی‌دار نیستند. همچنین نتایج آزمون توکی گویای آن است که بین نمره دختران اول دبیرستان با پسران اول راهنمایی و اول دبیرستان و دختران اول راهنمایی تفاوت معنی‌داری وجود داشته است ولی در مقایسه این گروه (دختران اول دبیرستان)، با پسران و دختران سوم دبیرستان، تفاوت معنی‌داری دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر دختران کلاس اول دبیرستان، در رابطه خود با پدرانشان همبستگی کمتری ادراک کرده‌اند. نمودار شماره ۲ این رابطه را نشان می‌دهد.

### نمودار ۲



### ۳.۴. مقایسه وضعیت آرمانی و واقعی

به منظور مقایسه ادراک روابط در دو وضعیت واقعی و آرمانی، از آزمون  $t$  جهت گروه‌های وابسته استفاده شد. این مقایسه هم به صورت کلی و هم در درون هر گروه انجام گرفت. نتایج نشان داد که در بعد همبستگی، نوجوانان خانواده آرمانی را منسجم‌تر و در بعد اقتدار بجز در مورد رابطه پدر - مادر اختلاف قدرت کمتر در روابط راه آرمانی فرض کرده‌اند. در جدول شماره ۶ نتایج آمده است.

بر این اساس، می‌توان گفت که در تمامی مقایسه‌ها در حالت آرمانی، میزان انسجام یا همبستگی بالاتر و اختلاف قدرت کمتر بوده است. در مقایسه وضعیت واقعی و آرمانی در هر گروه سنی، نتایج مؤید یافته‌های فوق بود. تنها در گروه سنی اول راهنمایی در بعد همبستگی

## جدول ۶

## مقایسه دو وضعیت واقعی و آرمانی

P<	مقدار t	نوع رابطه	
۰/۰۰۰۱	۵/۶۸	نوجوان- پدر	همبستگی
۰/۰۰۰۳	۳/۰۱	نوجوان- مادر	
۰/۰۰۰۱	۶/۰۴	پدر- مادر	
۰/۰۰۰۱	۵/۷۴	کل	
۰/۰۰۰۱	۴/۴۳	نوجوان- پدر	قدرت
۰/۰۰۰۱	۵/۴۶	نوجوان- مادر	
NS*	۰/۱۲	پدر- مادر	
۰/۰۰۰۱	۴/۴۳	کل	

NS\* معنی‌دار نبودن

مادر - نوجوان تفاوت معنی‌داری بین وضعیت واقعی و آرمانی مشاهده نشد. نتایج مربوط به هر گروه سنی در پیوست شماره یک آورده شده است.

## ۴.۴. مقایسه انواع روابط

با استفاده از تحلیل واریانس به روش اندازه‌گیری‌های مکرر یا درون آزمودنی<sup>۱۱</sup> نمرات آزمودنیها در ۳ نوع رابطه (نوجوان- پدر، نوجوان- مادر، و پدر- مادر) در ابعاد همبستگی و قدرت، در هر دو وضعیت واقعی و آرمانی مقایسه شد.

در بعد همبستگی، هم در وضعیت واقعی ( $F(2,250) = 11/34, P < 0/0001$ ) و هم در وضعیت آرمانی ( $F(2,250) = 6/88, P < 0/001$ ) بین سه نوع رابطه، تفاوت معنی‌دار حاصل شد. بدین ترتیب که در هر دو حالت واقعی و آرمانی کمترین همبستگی در ادراک رابطه نوجوان- پدر مشاهده شد. اما در ادراک همبستگی نوجوان- مادر با پدر- مادر تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود.

در بعد قدرت نیز، هم در وضعیت واقعی ( $F(2,250) = 124/1, P < 0/0001$ ) و هم در وضعیت آرمانی ( $F(2,250) = 74/5, P < 0/0001$ ) بین ۳ نوع رابطه تفاوت معنی‌دار بود. نتایج مقایسه‌ها بیانگر آن است که کمترین اختلاف قدرت در رابطه والدین با یکدیگر و بیشترین اختلاف قدرت در رابطه نوجوان- پدر ادراک شده است و تفاوت قدرت نوجوان- پدر با نوجوان- مادر نیز تفاوت معنی‌دار داشته است. در واقع بیشترین تفاوت قدرت در هر دو وضعیت واقعی و آرمانی در رابطه پدر- نوجوان ادراک شده است.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، در بررسی تعامل گروه سنی و نوع رابطه، تنها در بعد قدرت در وضعیت ایده‌آل، تعامل معنی‌داری وجود دارد. ( $F(4,246) = 3/1, P < 0/02$ ) بدین شکل که

آزموده‌های کلاس اول راهنمایی، تفاوت قدرت بیشتر در رابطه نوجوان- پدر و نوجوان- مادر را آرماتی‌تر ادراک کرده‌اند. اما در کلاس سوم تفاوت قدرت بیشتر در رابطه پدر- مادر آرماتی‌تر ادراک شده بود.

## ۵. نتیجه‌گیری و بحث

اولین نکته‌ای که در ارتباط با نتایج حاصله باید مورد توجه قرار گیرد، وجود کشیدگی منفی در نمرات خصوصاً در بعد همبستگی می‌باشد. در توجیه کشیدگی مذکور، می‌توان به دو عامل اشاره نمود. نخست آنکه، آزمون FAST همانند سایر آزمون‌ها و مقیاس‌های خود- گزارشی<sup>۱۱</sup> تحت تأثیر خوب‌نمایی اجتماعی<sup>۱۲</sup> یا مطلوب جلوه نمودن در برابر دیگران است. به عبارت دیگر احتمالاً نوجوانان شرکت کننده در این آزمون سعی کرده‌اند، خانواده خود را در نزد دیگران همبسته‌تر از آنچه که هست، نمایش دهند. بویژه در فرهنگ ایرانی که این مسأله، به عنوان یک ارزش اجتماعی محسوب می‌شود، دوم آنکه، ماهیت موضوع مورد تحقیق وجود چنین کشیدگی را توجیه می‌کند. در واقع، از آنجا که روابط مورد اندازه‌گیری در این پژوهش، روابط خانوادگی است، کاملاً طبیعی می‌نماید که افراد چنین همبستگی و صمیمیتی را ادراک نمایند و همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، برخی نظریه‌پردازان اساساً بحث از جدایی عاطفی در روابط خانوادگی را منتفی می‌دانند (به عنوان مثال آینسورث، ۱۹۸۹؛ کولینز و راسل، ۱۹۹۱).

در زمینه ادراک همبستگی، یافته‌ها بیانگر آن بود که اوج کاهش ادراک همبستگی در گروه سنی اول دبیرستان بوده است و گروه سوم دبیرستان چه در حالت معنی‌دار شدن نتایج و چه در موارد معنی‌دار نشدن، همبستگی بیشتری را در روابط خانوادگی ادراک نموده است. ظاهراً روابط عاطفی نوجوانان ایرانی (بر اساس نتایج این تحقیق)، در اواخر نوجوانی دوباره رو به افزایش می‌گذارد. این الگوی تغییر با یافته‌های تحقیق فلدمن و گهرنیک (۱۹۸۸) که نشان داده بود، اوج فاصله عاطفی در اواخر نوجوانی است و یافته‌های تحقیق مایلس و همکارانش، (۱۹۹۸)، در کشور اشغال شده فلسطین، که عدم تفاوت بین گروه‌های سنی را گزارش داده بودند، همخوانی ندارد. برخی محققان در این زمینه بدین مسأله اشاره نموده‌اند که هر چه ارتباط با دوستان افزایش یابد و میل به خود مختاری و استقلال فزونی گیرد، روابط عاطفی رو به کاهش می‌گذارد. (کیسکزن تمی‌هالی و لارسون، ۱۹۸۷؛ استین‌برگ و سیلوربرگ، ۱۹۸۶). ظاهراً نوجوانان ایرانی در حدود اول دبیرستان چنین رویه ارتباطی را در پیش می‌گیرند. لازم به ذکر است که چنین وضعیتی از نظر نوجوانان مطلوب نیست و تمامی گروه‌های سنی، در وضعیت آرماتی، خانواده را منسجم‌تر و همبسته‌تر به تصویر کشیده و وجود فاصله عاطفی را نامطلوب دانسته‌اند. به عبارت



دیگر نوجوانان اگر چه در این سنین به دنبال استقلال بیشتر هستند (استین برگ و سیلوربرگ، ۱۹۸۶) اما ظاهراً مغایرتی بین این استقلال و وابستگی نمی‌بینند چنانچه در وضعیت آرمانی خواهان چنین وابستگی عاطفی بوده‌اند. (به عنوان مثال: هیل، هولمبک، ۱۹۸۹؛ آلن و همکاران، ۱۹۹۴).

در ارتباط با تفاوت اقتدار نوجوانان و والدین، یافته‌ها بیانگر آن بود که در مجموع تفاوت معنی‌داری بین گروههای سنی مشاهده نشده است و تنها در رابطه نوجوان-مادر تفاوت معنی‌دار بین گروههای سنی وجود داشت. به این ترتیب که آزمودنیهای سال اول راهنمایی نسبت به آزمودنیهای سال سوم دبیرستان اقتدار بیشتری را برای مادران قائل بوده‌اند (البته همان‌طور که در بخش نتایج نیز اشاره شد این تفاوت در رابطه نوجوان-پدر نیز مشهود بود اما به لحاظ آماری معنی‌دار نبود). در توجیه یافته‌های فوق اولاً، در زمینه این که چرا در مجموع قدرت تفاوت معنی‌دار حاصل نشد شاید بتوان مسأله را به رشد کودک محوری در خانواده‌ها نسبت داد. در واقع امروزه یکی از موضوعات مورد بحث در ارتباط با کنترل جمعیت آن است که جلوگیری از افزایش تعداد فرزندان سبب شده تا والدین به فرزندان خود اختیارات و امکانات بیشتری بدهند. این موضوع خصوصاً با در نظر گرفتن این مسأله که تحقیق حاضر در خانواده‌هایی با جمعیت حداکثر پنج نفر اجرا شده جای تعمق بیشتر را می‌طلبد. ثانیاً در ارتباط با اختلاف اقتدار در رابطه نوجوان-مادر می‌توان به این مسأله اشاره کرد که مادران نسبت به پدران در دوره اولیه نوجوانی نقش بیشتری را در تصمیم‌گیری کودک بازی می‌کنند، دقت نظر بیشتری به رعایت قواعد و مقررات از جانب فرزندان خود دارند و همچنین در طول روز ارتباط بیشتری با کودک خود دارند (ریچاردسون و همکاران، ۱۹۸۴ و یونیس و اسمالار، ۱۹۸۵) و به همین جهت مادران به لحاظ قدرت تصمیم‌گیری در سطح بالاتری ارزیابی می‌شوند.

نتایج مربوط به تفاوت گروهها در بعد قدرت در وضعیت آرمانی بسیار جالب است. در این زمینه گروه اول راهنمایی در مجموع اقتدار و در رابطه نوجوان-پدر و نوجوان-مادر اختلاف اقتدار بیشتر را (نسبت به دو گروه دیگر) آرمانی‌تر دانسته‌اند، به عبارت دیگر کودکان در این مقطع سنی معتقدند که باید بین آنها و والدین تفاوت قدرت معنی‌دار وجود داشته باشد حتی اگر در واقعیت چنین نباشد.

در ارتباط با تأثیر جنسیت آزمودنی در مجموع، پسران انسجام و همبستگی بالاتری را به تصویر کشیده بودند. اما در ارتباط نوجوان-مادر چنین تفاوتی مشاهده نشد. به عبارت دیگر دختران و پسران همبستگی یکسانی را با مادر احساس نموده‌اند. بررسی اثر تعاملی جنسیت و سن آزمودنیها نیز حاکی از آن بود که دختران اول دبیرستان کمترین همبستگی را با پدران خود ادراک نموده‌اند. یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات قبلی هماهنگی ندارد.

برخی تحقیقات (فلدمن و گهرنیگ، ۱۹۸۸) به عدم تفاوت بین دختران و پسران در ارتباطات عاطفی اشاره نموده‌اند و برخی دیگر (مایسلس و همکاران، ۱۹۹۸، نالر و کالان، ۱۹۹۰) به وجود ارتباطات عاطفی قوی‌تر در بین دختران و والدین. وجود چنین الگوی ارتباط عاطفی در تحقیق حاضر را می‌توان به عوامل فرهنگی نسبت داد. ظاهراً، در فرهنگ جامعه ایرانی پسران جایگاه عاطفی خاصی در خانواده دارند و والدین اهمیت بیشتری به مسائل و آینده فرزند پسر خود می‌دهند و شاید طبیعی باشد که در چنین شرایطی پسران بیشتر مورد توجه عاطفی قرار گیرند. در ارتباط با نتایج بدست آمده ذکر این نکته نیز ضروری است که در وضعیت آرمانی هم دختران و هم پسران خواهان ارتباط عاطفی و همبستگی بالاتری بوده‌اند و تفاوت معنی‌داری بین ادراک آنها مشاهده نگردید. به عبارت دیگر، صرف‌نظر از جنسیت، نوجوانان وضعیت آرمانی را همبسته‌تر توصیف نموده‌اند.

نکته قابل توجه آن است که پسران اگر چه همبستگی بالاتری را با پدران خود داشته‌اند، اما هم زمان اختلاف قدرت بیشتری را نیز ادراک نموده‌اند. البته این تضاد در گروه اول راهنمایی و اول دبیرستان مشاهده نشده است و تنها در کلاس سوم دبیرستان جنبه آشکار داشته است. در ارتباط با این تضاد شاید بتوان نتیجه گرفت الگوی فرزند پروری در جامعه ایرانی خصوصاً در سنین بالاتر آن است که هر چه رابطه عاطفی والدین با فرزندان صمیمی‌تر می‌شود نظارت بر تصمیم‌گیری‌ها نیز فزونی می‌یابد.

در ارتباط با مقایسه دو وضعیت واقعی و آرمانی نتایج مؤید تحقیقات قبلی (فلدمن و گهرنیگ، ۱۹۸۸) بوده است، به این صورت که نوجوانان در وضعیت آرمانی در ارتباطات خود با والدین خواهان همبستگی بیشتر و اختلاف قدرت کمتر بوده‌اند. همچنین نتایج نشان داد که در مقایسه وضعیت آرمانی با واقعی تفاوت معنی‌داری در همبستگی و اختلاف اقتدار والدین وجود نداشته است.

در زمینه مقایسه انواع رابطه (نوجوان - پدر، نوجوان - مادر، پدر - مادر) نتایج مؤید آن است که بیشترین همبستگی و کمترین اختلاف قدرت در بین پدر-مادر و پایین‌ترین همبستگی و بیشترین اختلاف قدرت در رابطه نوجوان - پدر بوده است و رابطه نوجوان - مادر صرف‌نظر از جنسیت آزمودنی تقریباً در حد رابطه والدین با یکدیگر بوده است. همان‌گونه که قبلاً نیز ذکر گردید این مسأله احتمالاً ناشی از توجه خاص مادران و ارتباط نزدیک‌تر آنها با فرزندان می‌باشد. لازم به ذکر که در مصاحبه‌های بالینی، حین اجراء، نیز نوجوانان در بیان این که چرا با پدران خود ارتباط کمتری دارند، به مسأله اشتغال تمام وقت پدران و خلاصه نمودن تمام زندگی در کار

اشاره می‌کردند. یافته‌های حاضر در راستای نتایج به دست آمده توسط فلدمن و گهرنیک (۱۹۸۸) می‌باشد.

از مجموع یافته‌های به دست آمده می‌توان نتایج و پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

الف) به نظر می‌رسد حساس‌ترین دوره نوجوانی، حداقل در فرهنگ ایران، سال اول دبیرستان باشد و بر همین اساس، لازم است تا اولیا و دست‌اندرکاران نظام آموزشی توجه خاصی به این دوره مبذول دارند.

ب) با توجه به این که دختران در مقایسه با پسران احساس نزدیکی عاطفی کمتری با والدین داشته‌اند ضروری است تا والدین در این رابطه دقت نظر بیشتری داشته باشند و مسئولین ارتباطات جمعیتی نیز از طرق مختلف والدین را مورد آموزش قرار دهند تا در روابط خود با دختران تجدید نظر لازم را بنمایند خصوصاً در سنین اواسط نوجوانی یعنی بین ۱۵ تا ۱۶ سالگی (که تقریباً حدود اول دبیرستان است).

ج) پدران سعی نمایند تا خارج از چهار چوب‌های سنتی هر چه بهتر و بیشتر با فرزندان خود (خصوصاً دختران) ارتباط عاطفی داشته باشند. و مسائل عاطفی خانواده را فدای مصالح مادی ننمایند.

د) ذکر این نکته ضروری است که اگر چه تحقیق حاضر بر مبنای ادراک یک عضو خانواده (یعنی نوجوان) بوده است، اما نمی‌توان به این دلیل نتایج را غیر قابل اتکا دانست. چرا که به هر جهت ادراک هر فرد از اعضای خانواده می‌تواند در شکل‌گیری ارتباط خانوادگی مؤثر باشد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی علاوه بر ادراک نوجوانان مشاهدات رفتاری نیز صورت گیرد و همچنین ادراک والدین نیز هم‌زمان با فرزندان مورد ارزیابی و آزمون قرار گیرد. علاوه بر این پیشنهاد می‌گردد تا در مطالعات آینده مقایسه‌ای بین خانواده‌های ناهنجار و عادی صورت گیرد تا شواهدی برای روایی آزمون نظام خانوادگی فراهم شود. در پایان پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی طرح در قالب مطالعات طولی اجرا شود تا از این طریق توصیف دقیق‌تر و جامع‌تری از ارتباطات فراهم آید.

## یادداشت‌ها

1. Cohesion
2. Power
3. Attachment theory

۵. بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

6. Cross sectional
7. Family System Test
8. Preadolescence
9. Repeated measure
10. Within subject design
11. Self - Report
12. Social desirability

### منابع

- Ainsworth, M.D.S. (1989). *Attachments Beyond in Fancy*. **American Psychologist**, 44, 709-716.
- Allen, J.P., Hauser, S.T. Bell, K.L., & O'connor, T.G. (1994). *Longitudinal Assessment of Autonomy and Relatedness in Adolescent Family Interaction as Predictors of Adolescent Ego Development and Self Esteem*. **Child Development**, 65, 179-194.
- Barnes, H.L., and Olson, H.D., (1985) *Parent- Adolescent Communication and the Circumplex Model*. **Child Development**, 56, 438-447.
- Berdondini, L. & Smith, P.K. (1996). *Cohesion and Power in the Families of Children Involved Bully/ Victim Problem at School: An Italian Replication*. **Journal of Family Therapy**, 18, 99-102.
- Blos, P. (1979). **The Adolescence Passage**. New York: International University Press. In R.E. Muuss (Eds) New York, Mc Graw - Hill.
- Buchanan, C. M., Eccles, J. S, & Becker, J.B. (1992). *Are Adolescents the Victims of Raging Hormones: Evidence for Activational Effects of Hormones on Moods and Behavior at Adolescence*. **Psychological Bulletin**, 111, 62-107.
- Campbell, E., Adams, G.R., & Dobson, W.R. (1984). *Familial Correlates of Identity Formation in Late Adolescence: A Study of the Predictive Utility of Connectedness and Individuality in Family Relations*. **Journal of Youth and Adolescence**, 13, 509-525.
- Collins, W.A. & Russell, G. (1991). *Mother- Child and Father - Child Relationships in Middle Childhood and Adolescence: A*

- Developmental Analysis*. In G.R. Lefrancois (Eds) **The Life Span**, (5th Ed) Belmont, CA: Wads Worth.
- Cromwell, R.E, & Peterson, G.W. (1983). *Multisystem- Multimethod Family Assessment in Clinical Contents*. **Family Process**, 22, 147-163.
- Csikszentmihalyi, M. & Larson, R. (1987). *Being Adolescent: Conflict and Growth in the Teenage Years*. In R. E., Muuss (Eds), **Adolescent Behavior and Society**. New York, Mc Graw- Hill.
- Feldman, S.S., Gehringer, T.M. (1988). *Changing Perceptions of Family Cohesion And power Across Adolescence*. **Child Development**, 59, 1034-1045.
- Frاند, S.T. Avery, C.B., & Laman, M.S. (1988). *Young Adults' Perceptions of Their Relationships with Their Parents: Individual Differences in Connectedness, Competence and Emotional Autonomy*. **Developmental Psychology**, 24, 729-737.
- Frank, S.J., Pirsch, L.A., & Wright, V.C. (1990). *Late Adolescents' Perceptions of Their Relationships with Their Parents: Relationships Among Deindividulation, Autonomy, Relatedness and Insecurity and Implications for Adolescent Adjustment and Ego Identity Status*. **Journal of Youth and Adolescence**, 19, 571-588.
- Freud, A. (1958). *Adolescence*. Psychoanalytic Study of the Child. In R.E. Muuss (Eds) New York, Mc Graw - Hill.
- Gehringer, T.M, Marti, D. & Sidler, A. (1994). *Family System Test FAST: Are Parents' and Children's Family Constructs Either Different or Similar, or Both?* **Child Psychiatry and Human Development**, 25, 125-138.
- Gehringer, T.M., & Wyler, I.L., (1986). *Family- System Test (FAST): A Three Dimensional Approach to Investigate Family Relational Approach to Investigate Family Relationships*. **Child Psychiatry and Human Development**, 16, 235-248.
- Hata, T. & Tsukiji, N. (1993). *Characteristics of Japanese Family: Evidence From the Results of the Doll Location Test by University Students*. **Psychologia. An International Journal of Psychology in the Orient**, 36, 235-240.

- Hill, J.P, & Holmbeck, G.N. (1989). *Attachment and Autonomy During Adolescence*. **Annals of Child Development**, 3, 145-189.
- Hofstede, S. (1980). **Culture Consequences: International Differences in Work Related Values**, Beverly Hills, CA: Sage.
- Maysel, O., Wiseman, H., & Hai, I.(1998). *Adolescents' Relationships with Father, Mother, and Same - Gender Friend*. **Journal of Adolescent Research**, 13, 1, 101-123.
- Marti, D. & Gehring, T.M. (1992). *Is There a Relationship Between Children's Mental Disorders and Their Ideal Family Constructs?*. **Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry**, 31, 490-494.
- Minuchin, P. (1985). *Families and Individual Development: Proccations From the Fiels of Family Therapy*. **Child Development**, 56, 289-302.
- Moor, D. (1987). *Parent/ Adolescent Spartan: The Construction of Adulthood by Late Adolescents*. **Developmental Psychology**, 13, 298-307.
- Muuss, R.E (1990). **Adolescent Behavior and Society**, New York, Mc Graw - Hill.
- Newman, B.M. (1989). *The Changing Nature of the Parent/ Adolescent Relationship From Early to Late Adolescence*. **Journal of Adolescence**, 96, 915-924.
- Noller, P., & Callan, J. (1986). *Adolescent and Parent Perceptions of Family Cohesion and Adaptability*. **Journal of Adolescence**, 9, 97-106.
- Noller, P., & Callan, V.J. (1990). *Adolescent's Perceptions and the Nature or Their Communication with Parents*. **Journal of Youth and Adolescence**, 19, 349-358.
- Olson, D.H.(1986). *Circumpex Model VII: Validation Studies and FACES III*. **Family Process**, 25, 337-351.
- Paterson, J.E. Field, J. & Pryor, J. (1994). *Adolescents' Perceptions of Their Attachment Relationships with Their Mothers, Fathers, and Friends*. **Journal of Youth and Adolescence**, 23, 579-600.

- Pipp, S., Shave, P. Jennings, S., Lamborn, S. & Fischer, K.W. (1985). *Adolescents' Theories About the Development of Their Relationships with Parents*, **Journal of Personality and Social Psychology**, 48, 991-1001.
- Richardson, R. A., Galambos, N. L., Schulenberg, J.E. & Petersen, A.C. (1984). *Young Adolescents' Perceptions of the Family Environment*. **Journal of Early Adolescence**, 6, 131-153.
- Ryan. R.M., & Lynch, J.H. (1989). *Emotional Autonomy Versus Detachment: Revisiting the Vicissitudes of Adolescence and Young Adulthood*. **Child Development**, 60, 430-356.
- Steinberg, L., & Silverberg, S.B. (1986). *The Vicissitudes of Autonomy in Early Adolescence*. **Child Development**, 57, 841-851.
- Steinberg, L. (1987). *Recent Research on the Family at Adolescence: The Extend and Nature of Sex Difference*. **Journal of Youth and Adolescence**, 16, 191-197.
- Sullivan, K., & Sullivan, A. (1980). *Adolescent-Parent Separation*. **Developmental Psychology**, 16, 93-99.
- Tiandis, H. C., McCusker, C., & Hui, C. H.(1990). *Multimethod Probes of Individualism and Collectivism*. **Journal of Personality and Social Psychology**, 59, 1006-1020.
- Wood, B. (1985). *Proximity and Hierachy: Orthognal Dimention of Family Interconnectedness*. **Family Process**, 24, 487-507.
- Youniss, J., & Smollar, S. (1985). *Adolescent Relations with Mothers, Fathers and Friends*. In R.E., Muuss, (Eds) **Adolescent Behavior and Society**, New York, Mc Graw-Hill.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انسانی